



# ه۴کهن الگّوی شخصیت

الگوهای اسطوره‌ای برای خلق شخصیت‌های اصیل

ویکتوریا لین اشمیت

مترجم: ابراهیم راهنشین

پیشگفتار ..... ۹

آغاز

فصل اول

کهن‌الگوها چه هستند و چرا نویسندگان بایستی از آن‌ها استفاده کنند؟ ..... ۱۷

فصل دوم

چگونه از کهن‌الگوها استفاده کنیم ..... ۲۵

خلق قهرمانان و شخصیت‌های منفی مؤنث

فصل سوم

آفرودیت ..... ۳۵

فصل چهارم

آرتمیس ..... ۴۷

فصل پنجم

آتنا ..... ۵۷

فصل ششم

دیمتر ..... ۶۷

فصل هفتم

هرا ..... ۷۷

فصل هشتم

هستی ..... ۸۷



## فصل اول

### کهن‌الگوها چه هستند و چرا نویسندگان بایستی از آن‌ها استفاده کنند؟

«کهن‌الگو: شمایل، کمال مطلوب یا سرمشقی است که الگویی جهانی محسوب می‌شود. کهن‌الگوها در اسطوره‌شناسی، ادبیات و هنرها یافت می‌شوند، و عمدتاً الگوهای سمبلیک و ناخودآگاه هستند که مرزهای فرهنگی را در می‌نوردند.»

دانش‌نامه اینکار تا

خواهد گرفت- او وارد این ساختمان می‌شود زیرا انجام چنین کاری در ذات اوست. آیا داستان «عقرب و قورباغه» را شنیده‌اید؟ قورباغه‌ای با عقربی روبه‌رو می‌شود و ملتسانه از او می‌خواهد تا جاننش را نگیرد. عقرب شرط می‌گذارد که اگر قورباغه او را از این سوی رودخانه به سوی دیگر ببرد، جاننش را نخواهد گرفت. قورباغه می‌پرسد: «از کجا بدانم هنگامی که تو را می‌برم مرا نخواهی کشت؟» عقرب پاسخ می‌دهد: «اگر تو را نیش بزنی، مطمئناً هر دوی ما کشته خواهیم شد.» قورباغه، پس از اینکه جوانب کار را می‌سنجد، موافقت می‌کند؛ اما، در میانه رودخانه، عقرب کمر قورباغه را نیش می‌زند. هنگامی که هر دوی آن‌ها در حال غرق شدن هستند، قورباغه می‌پرسد: «چرا منو نیش زدی؟ حالا هر دومون می‌میریم.» عقرب با آخرین نفس خود پاسخ می‌دهد: «چون که نیش زدن توی ذات منه.» در ذات شخصیت شما چیست؟ استفاده از کهن‌الگوها می‌تواند در کشف پاسخ این سؤال شما را یاری کند.

### لوک اسکای واکر... دوروتی... زینا... کاپیتان اهاب<sup>۱</sup>

هنگامی که به این شخصیت‌ها می‌اندیشید، تقریباً بلافاصله هویت وجودی آن‌ها توجه شما را جلب می‌کنند. آن‌ها شخصیت‌هایی بی‌روح و تک‌بُعدی نیستند، بلکه انسان‌هایی اصیل و حقیقی‌اند که می‌توانیم با آن‌ها ارتباط برقرار کنیم. آن‌ها احساسات قوی و نیرومندی را به ما القا می‌کنند؛ ما دوست داریم دقیقاً مثل آن‌ها یا کاملاً مقابلشان باشیم. آنچه آن‌ها را به شخصیت‌هایی به‌یادماندنی تبدیل می‌کند، داستان‌هایی نیست که در آن‌ها سکنی گزیده‌اند، بلکه عمق شخصیت آن‌ها و سه بُعدی بودنشان است. لزومی ندارد تمامی شخصیت‌ها اصیل و تمام‌عیار باشند؛ جنبه تاریک زیناست که به او وجهه انسانی می‌بخشد و پیچیده و جذابش می‌کند.

هرکدام از این شخصیت‌ها مظهر کهن‌الگویی جهانی هستند، و همین به آن‌ها کمک می‌کند تا قوس شخصیتی نیرومندی را طی کنند. قوس شخصیت نمایانگر تغییراتی است

چرا هنگام طراحی داستان باید از کهن‌الگوها استفاده کنید؟ به تجربه آموخته‌ام تقریباً تمام نویسندگان با آنچه نامش را «دل‌زدگی‌های صفحه‌سی» نام‌گذاری کرده‌ام روبه‌رو می‌شوند. شما مشغول نوشتن رمان یا فیلم‌نامه خود هستید. ایده فوق‌العاده‌ای هم دارید. زمان زیادی صرف می‌کنید تا خطوط کلی سی صفحه اول را ترسیم کنید. سپس ناگهان اتفاقی روی می‌دهد. شما انرژی و پشتکار خود را از دست می‌دهید. از این لحظه به بعد، نوشتن سخت‌تر و سخت‌تر خواهد شد. سرعت و شتاب شما رو به کندی می‌رود. موانع سد راه نویسنده از دور دست‌ها پدیدار می‌شود، و شما نیز شوق و ذوقی را که برای نوشتن شاهکار تان داشتید از دست می‌دهید.

با خودتان می‌اندیشید: «آیا استخوان‌بندی داستان خوب نبوده؟ آیا باید روی داستان دیگری کار کنم؟ چشم‌آب نمی‌خورم این داستان پیش بره.»

داستان خود را رها نکنید. خبر خوب اینکه اغلب اوقات مشکل از داستانتان نیست بلکه از شخصیت‌هایتان است. چطور توقع دارید داستانتان پیش برود در حالی که نیروی پیش‌برنده - شخصیت - پوچ و تهی است؟ اگر با شخصیت خود مثل کلیشه کتابدار<sup>۱</sup> رفتار کنید، به تنها چیزی که دست خواهید یافت تصویری کلی از شخصیت خواهد بود و چیزی در مورد انگیزه‌ها، اهداف یا ترس‌هایش برای شما بازگو نخواهد کرد. چطور می‌توانید به کشفیات تازه و مهیجی در مورد شخصیت خود دست یابید در حالی که او چیزی غیر از یک کلیشه یا صفحه‌ای سفید نیست که در ذهن شما نقش بسته است؟ ممکن است نقاط داستانی را داشته باشید، اما آیا به این موضوع اندیشیده‌اید که شخصیت‌تان چه واکنشی به موقعیت‌هایی که این نقاط داستانی به او تحمیل می‌کند نشان خواهد داد؟ این واکنش، داستان را به جلو سوق می‌دهد نه نقاط داستانی را. شخصیت صرفاً اینک نقطه داستانی شما از او می‌خواهد تا وارد ساختمانی شود که در آتش می‌سوزد، هرگز چنین تصمیمی

۱. librarian stereotype، در فرهنگ عامه آمریکا، تصویری کلیشه‌ای و عمدتاً منفی از کتابداران وجود دارد. کتابداران، اگر زن باشند، به‌عنوان افرادی سخت‌گیر، غیرمنصف، نجسب و درون‌گرا، یا، اگر مرد باشند، به‌عنوان افرادی کم‌رو و نازک‌نارنجی تصویر می‌شوند. هرچند، در دوران مدرن، تصویر کتابداران دل‌بر و رواج یافت. -و.